

## حقوق تجارت

و یا آنکه برای تشویق سرمایه داران امتیازاتی برای این سهام قائل شوند چنانکه آنها در گرفتن منافع حقوقی و جانی بدهند یا در مجمع عمومی رأی آنها را بیشتر از سهام عادی قرار دهند.

بعلاوه برای تشویق ممکن است شرکت سهام جدید را بقیمتی پایین تر از ارزش اسمی صادر کند یعنی سهام صدریالی را مثلاً بقیمت نود ریال بفروشد.

بدیهی است که در هر حال رعایت مقررات راجع بپذیره نویسی و پرداخت يك قسمت از قیمت سهام و اینکه تا بچه چه در سهام بی اسم باید پرداخته شده باشد تا قبل انتقال گردد و اینکه مسئولیت پرداخت قیمت سهام با کسی است که پذیره نویسی کرده و غیره در مورد سهام جدید عیناً باید مراعات شود.

معمولاً وقتی که سهام جدید صادر میشود حق نقدی برای شرکاء قدیم در خرید آنها قائل میشوند یعنی قرار میشود که اگر شرکاء فعلی طالب خرید سهام جدید باشند بر اشخاص خارج تا مدت معینی مقدم خواهند بود.

وای ممکن نخواهد بود که مقرر دارند هر شریك قبلی مجبور باشد که يك یا چند سهم جدید را خریداری نماید زیرا چنین ترتیبی برخلاف روح ماده ۷ است که افزودن تعهد شرکاء را بدون رضایت خود آنها بر مجمع عمومی منع کرده است.

اضافه کردن سرمایه را نباید دلیل بر تشکیل شرکت جدیدی دانست و باینجهت هیئت مدیره سابق در صورتیکه مدتی از دوره انتخابش باقی باشد بحال خود باقی بود و مقرراتی که برای تشکیل شرکت جدید لازم است اجرا

پس منظور از قسمت اول این ماده آن است که میتواند در اساسنامه تغییر سرمایه را پیش بینی کرد و در اینصورت جزء مطالب اداری خواهد شد و مجمع عمومی عادی میتواند در موقع مناسب بهیئت مدیره اقدام به آنرا اجازه دهد بیشتر فایده این ماده مقرر داشتن حد اقلی است برای تقلیل سرمایه - در اینقسمت قانون خواسته است حدی برای تقلیل سرمایه قائل شود و آن حد  $\frac{1}{10}$  است یعنی تا  $\frac{1}{10}$  میتوان سرمایه اولیه را کم کرد و اگر بیش از آن شد شرکت باید قطعاً منحل شود زیرا منطقی بنظر نمی آید که شرکتی برای امری تشکیل شود و بعد معلوم گردد که سرمایه اش آنقدر زیاد است که بیش از  $\frac{1}{10}$  آن را میتواند کم کرد یا آنکه شرکتی ضرر کند و سرمایه اش به  $\frac{1}{10}$  سرمایه اولیه برسد و باز در ادامه کار اصرار نماید - کم شدن سرمایه را بیش از  $\frac{1}{10}$  قانون ضرر شرکاء و شاید بضرر اشخاصی که با این شرکت معامله میکنند دانسته و ممنوع داشته است - پس این اصل منحصر باین نیست که در اساسنامه پیش بینی شده یا نشده باشد و باید گفت در هر حال سرمایه شرکت را نمیتوان از  $\frac{1}{10}$  بیشتر تقلیل داد.

### افزودن سرمایه

ممکن است که مجمع عمومی فوق العاده رأی ندهد که سرمایه شرکت را بیفزایند یعنی نظر باینکه شرکت احتیاج ب سرمایه جدید پیدا کرده است (چون مبلغی ضرر کرده و یا نظر باینکه شرکتهای مهمی در پیش دارد که سرمایه موجود غیر کافی تشخیص شده است) عده سهام جدید صادر نمایند.

این سهام جدید ممکن است مانند سهام سابق باشد

نخواهد شد. ولی اقدامات لازم برای ثبت و اعلان یعنی اقداماتی که برای هر تغییر در اساسنامه لازم است بعمل خواهد آمد.

### کم کردن سرمایه

در دو مورد ممکن است احتیاج بکم کردن سرمایه پیدا شود:

۱ - وقتی که سرمایه موجود شرکت رای عملیات آن زیاد باشد. شرکتی عملیات معینی را در پیش دارد و ملاحظه میشود که سرمایه اولیه آن زیاد برآورد شده و در نتیجه منافعی که تقسیم میشود چون نسبت بیشتری میباشد خیلی کم بنظر میآید. در این حال مناسب آن است که سرمایه را کم کنند.

۲ - وقتی که سرمایه شرکت در نتیجه ضررهای وارده تقلیل یافته است. در این مورد نیز لازم است که آن قسمت از سرمایه که از بین رفته است از حساب خارج شده و بجهت ترانزنامه شرکت را سنگین ننماید. این عمل بخصوص مقدمه افروندن سرمایه خواهد بود زیرا در صورتیکه خروج آن مقدار سرمایه که واقعا از بین رفته در حساب بعمل آید و نسبت تقسیم منافع بالا برود اشخاص خارج بیشتر مایل بخرید سهام جدید شرکت خواهند شد در هر دو حال کم کردن سرمایه پس از آنکه مجمع عمومی رأی داد باین طریق خواهد شد:

۱ - در صورتیکه سرمایه زیاد بنظر میآید ممکن است اعلان شود که بقیه سرمایه تعهد شده وصول نخواهد شد یعنی سهمی که ۱۰۰۰ ریال است و ۷۰۰ ریال آن پرداخت شده بعد از این سهم ۷۰۰ ریالی عوض شده و تعهد صاحبان سهام برای بقیه سهم سابق از بین میرود.

یا اگر سرمایه تمام با قیمت عمده اش پرداخت شده است مبلغی از آنرا بصاحبان سهام مسترد داشته و سهام آنها را عوض میکنند.

و نیز ممکن است که بجای این اقدام یعنی کم کردن ارزش اسمی هر سهم يك عمده از سهام را از جریان خارج و باطل

نمایند مثلا تصمیم گرفته شود که هر کس دو سهم دارد یکی از آنها را باطل میکنند و وجه آن را در صورتیکه پرداخت شده است مسترد میدارند.

۲ - در صورتیکه کم کردن سرمایه در نتیجه ضرر باشد بوسیله خارج کردن يك عمده سهام از جریان یا عوض کردن سهام قدیم با سهام جدیدی که ارزش اسمی آنها کمتر است بعمل میآید.

### II - تغییر در مدت شرکت

ممکن است شرکتی برای مدت معینی تشکیل شده باشد و بعداً معلوم گردد که آن مدت برای انجام مقاصدی که شرکت داشته است کافی نبوده و صلاح است که مدتی بر آن افزوده شود.

تمدید مدت شرکت اگر چه تغییر یکی از مواد عمده قرار داد شرکت است ولی در صورتیکه هیئت مدیره شرکت صلاح دانسته و مجمع عمومی فوق العاده بآن رأی بدهد معلوم است که برای مزید انتفاع شرکاء است و نباید آنرا محتاج با اتفاق آراء شرکاء دانست زیرا بر تعهدات شرکاء چیزی نمی افزاید چون هیچ شریکی در شرکت سهامی اجبار بماندن ندارد و هر وقت مایل باشد شرکت خود خانه بدهد بوسیله فروش سهام خود باین مقصود نائل میگردد باضافه این تغییر را ماده ۷۴ قانون تجارت با انحلال شرکت صراحتاً در جزء مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی فوق العاده است قرار داده و بقیه موارد را بطور عمومی ذکر کرده است.

### III تغییر در حقوق صاحبان سهام متمم

چنانکه گفتند شد قانون فقط اضافه کردن بر تعهدات شرکاء را ممنوع کرده است ولی از کم کردن حقوق آنها صحبتی ننموده یعنی در جزء اختیارات مجمع عمومی فوق العاده شمرده است. ولی میتوان اجازه داد که مجمع عمومی فوق العاده که عادتاً از اکثریت شرکتی تشکیل میشود که سهام عادی دارند نسبت بحقوق صاحبان سهام ممتاز که در اقلیت هستند اخذ تصمیم نمایند زیرا باین وسیله سهل خواهد بود که اشخاص را تشویق بآمدن در شرکت نووه و

این حق را نیز خواهد داشت که نظریه مصالح شرکاء اختلاط آنرا با شرکت دیگری رأی بدهد.

### ۲ انحلال شرکت

اگر در عمل معلوم شود که ادامه شرکت بیفایده است اصرار در ادامه آن جز از دید ضرر شرکاء نتیجه دیگر نخواهد داشت ماده ۷۴ قانون تجارت حق انحلال شرکت را صراحتاً بمجمع عمومی فوق العاده داده است.

البته موضوع انحلال شرکت هم مثل سایر موضوع ها ممکن است از طرف هیئت مدیره پیشنهاد شود یا آنکه بیک یا چند نفر که مجموع سهام آنها لااقل معادل یک خمس سرمایه شرکت باشد از هیئت مدیره کتبتاً تقاضا نمایند که مجمع عمومی فوق العاده را تشکیل دهد.

ولی علاوه بر حقی که شرکاء و با هیئت مدیره دارند در بیک مورد قانون هیئت مدیره را مکلف کرده است که موضوع انحلال را مطرح نماید بر طبق ماده ۵۸ اگر بواسطه ضرر های وارده نصف سرمایه شرکت از میان برود مدیران شرکت مکلفند تمام صاحبان سهام را برای مجمع عمومی دعوت نمایند تا موضوع انحلال با بقاء شرکت مورد شور و رای شود - تصمیم این مجمع در هر حال منتشر خواهد شد.

### اکثریت لازم

#### اکثریت برای تشکیل جلسه

برای آنکه مجمع عمومی فوق العاده تشکیل بشود « باید عده ای از صاحبان سهام که بیش از سه ربع سرمایه شرکت را دارا باشند حاضر گردند ».

چنانکه ملاحظه میشود در این مورد قانون حداکثر را برای تشکیل جلسه خواسته است زیرا دیدیم که برای مجمع مؤسس این اکثریت نصف کل عده شرکائی بود که خرید سهام نقدی را تهدد کرده و نصف کل سرمایه نقدی را دارا هستند.

این تقاضای قانون طبیعی است زیرا بعد از جلسه

حقوق ممتازة برای آنها قائل شوند بعد از آن مجمعی تشکیل داده خلف وعده نماید - از طرف دیگر ممکن است تغییر در حقوق آنها واقفاً لازم و در نتیجه احتیاجات شرکت باشد همانطور که در موقع دادن امتیاز بآنها در حقیقت حقوق شرکاء صاحب سهام عادی تقلیل یافته است چون احتیاج بآن مورد بکوقت هم تقلیل حقوق آنها لازم میشود برای توافق دادن این ضرورت با نظر حفظ حقوق صاحبان سهام قانون تجارت مقرر داشته است که « در مواردی که مجمع عمومی شرکاء نسبت بحقوق نوع مخصوصی از سهام تصمیمی اتخاذ نماید که تغییری در حقوق آنها بدهد آن تصمیم قطعی نخواهد بود مگر بعد از آنکه صاحبان سهام مزوره در جلسه خاصی آن تصمیم را تصویب نمایند و برای آنکه آراء جلسه خاص مذکور معتبر باشد باید حاضرین جلسه لااقل صاحب بیش از نصف سرمایه مجمع سهامی باشند که موضوع مذاکره است ».

### ۱۷ - اختلاط شرکت

گاهی پیش میآید که شرکت سهامی نظر بمصالحی باید با شرکت دیگر مختلط شود - مثلاً دو بانک است که در یک ناحیه کار کرده و باهم رقابت مینمایند ممکن است این رقابت بضرر هر دو آنها تمام شود و صلاح هر دو در آن باشد که باهم یکی شده بر عده شعبات خود بیافزایند.

اختلاط شرکت بدو صورت ممکن است صورت گیری یکی آنکه هر دو شرکت منحل شده و شرکت جدیدی تشکیل دهند - دیگر آنکه یکی از آنها منحل شده و جزء شرکت دیگری شود - بیشتر مورد نظر این صورت دوم است و باید دید که آیا مجمع عمومی فوق العاده میتواند رأی بدهد که شرکت با شرکت دیگر مختلط شود یا نه - البته این موضوع تغییر عمده است که در شرکت داده میشود زیرا عده جدیدی صاحبان سهام وارد شده و در عمل و وضع شرکت تغییر زیادی حاصل میشود.

چون ملاحظه میشود که مجمع عمومی فوق العاده حتی حق انحلال شرکت را دارد باید گفت که بدون شك

هر يك از شركاء كه يك سهم يا بيشتر داشته باشد حق حضور در جلسه دارند و هر كس كه حاضر ميشود بنسبت سهم خود حق رأی دارد يعنى اگر كسى يكسهم هم داشته باشد ميتواند رأی بدهد و البته اگر بيشتر داشته بهمان نسبت حق خواهد داشت .

و قانون مخصوصاً تأکید کرده است كه اين ترتيب عمل خواهد بود ولو اينكه اساسنامه برخلاف اين مقرر داشته باشد .

### مدیران شرکت

شرکت سهامی بوسیله يك يا چند مدير اداره خواهد شد .

مدیران شرکت مجریان تصمیمات مجامع ع.و.می و مأمور انجام اموری هستند كه برای پیشرفت عملیات شرکت لازم است .

معمولاً در شرکت های سهامی چند نفر مدير انتخاب شده و باينجهت هيئتي تشكيل ميدهند كه بنام هيئت مديره ناميده ميشود .

انتخاب مديران يا مجامع ع.و.می است ولي برای اينكه از ابتكار مؤسسين و از اينكه فكاراويه تشكيل شرکت را آنها داشته اند استفاده شود ممكن است در اساسنامه شرکت اولين مديران شرکت را كه همان مؤسسين شرکت خواهند بود انتخاب كنند .

### مدت مدیریت

مدیران شرکت منتها برای مدت چهار سال انتخاب میشوند .

و پس از اقصاء مدت ممكن است تجديد انتخاب آنها بعمل بياید . در اين جا تفاوت عمده شرکت سهامی با شرکت تضامنی دارد چه در شرکت تضامنی اصولاً حدى برای دوره مدیریت وجود ندارد و رأی در شرکت سهامی قانون ميخواهد كه توده شركاء بتوانند بوسيله تجديد انتخاب مديران نظريات خود را اعمال نمايند .

عمومی موسس راجع به مهمترين مطالب مربوط ب شرکت و منافع شركاء در مجامع ع.و.می فوق العاده تصميم گرفته می شود .

« اگر در مجمع عمومی عده ای كه سه ربع سرمايه شرکت را دارا باشند حاضر نشدند ممكن است مجمع عمومی جديدی دعوت كرد مشروط بر اينكه لا اقل يكماه قبل از انعقاد مجمع دو دفعه متوالی بفاصله هشت روز بوسیله يکي از جرايد محل ( كه سايلانه از طرف وزارت عدليه معين ميشود ) دستور جلسه قبل و نتيجه آن اعلان گردد . مجمع ع.و.می جديد وقتى قانونی است كه لا اقل نصف سرمايه شرکت حاضر باشد . »

« اگر اين حد نصاب حاصل نشد ممكن است با رعایت تشریفات فوق مجمع عمومی دیگری دعوت نمود . اين مجمع با حضور صاحبان لا اقل نكث سرمايه شرکت حق تصميم خواهد داشت . »

توجه قوانين باينكه حتماً عده زيادى در مجمع عمومی فوق العاده شرکت كنند بخوبی از اين درجات كه قائل شده است معلوم ميگردد و در هر حال از اكثريت نكث سرمايه پائين تر نيامده و لازم است حتماً اين عده حاضر شود .

بعلاوه در مورد مجمع عمومی فوق العاده قانون نه تنها خواسته است كه اكثريت سرمايه حاصل شود بلكه خواسته در مجمع عمومی فوق العاده بروی كلیه صاحبان سهام باز باشد تا همه بتوانند اظهار نظر خود را بنمايند و باينجهت مقرر داشته است كه « در اين مجامع كلیه صاحبان سهام قطع نظر از عده سهام خود حق حضور » دارند . پس اعم از اينكه اين حق را اساسنامه بصاحبان سهام داده باشد يا نه هر صاحب سهم حق حضور خواهد داشت و حدى كه اساسنامه در اين قسمت قائل شده باشد كان لم يكن خواهد بود .

### اكثريت برای رأی

برای اينكه مطلبی در مجمع عمومی فوق العاده تصویب بشود بايد اكثريت دو نكث عده آراء حاضر باشد .